



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

### مفهوم و مصادیق اقتصادی افساد فی الارض در پرتو نظام حقوقی ایران و فقه امامیه

ابراهیم مرادی<sup>۱</sup>، احمد فلاحی<sup>۲\*</sup>، شهرام محمدی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** در نظام‌های اقتصادی تحت شرایط خاص مانند تحریم‌های بین‌المللی، جرائم اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. هدف از انجام تحقیق حاضر این است که مفهوم و مصادیق اقتصادی افساد فی الارض در نظام کیفری ایران و فقه امامیه را شناسایی و قلمروی کیفری آن‌ها را بررسی نماییم.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این جرم فاقد مستندات فقهی متقن است؛ اما در عین حال، با توجه به شرایط اقتصادی خاص، کاربرد فراوانی در نظام حقوق کیفری ایران دارد. این عنوان مجرمانه تعریف موسع در قانون مجازات اسلامی دارد و لازم است مفهوم و مصادیق آن در منابع فقهی جدید امامیه مورد تحلیل قرار گیرد.

**نتیجه:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اغلب فقها آن را به عنوان جرمی مستقل شناسایی نکرده‌اند. از طرفی، عناوین مجرمانه محاربه و بغی از مصادیق افساد فی الارض نبوده و افساد، برخلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، مصادیق احصا شده‌ای ندارد.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۵-۱۷۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

#### واژگان کلیدی:

محاربه، افساد فی الارض، نظام حقوقی ایران، فقه امامیه.

نویسنده مسئول:

احمد فلاحی

آدرس پستی:

ایران، سنندج، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

تلفن:

کد ارکید:

پست الکترونیک:

[a.falahi@uok.ac.ir](mailto:a.falahi@uok.ac.ir)

## ۱. مقدمه

از جمله عناوین مجرمانه‌ای که در فقه اسلامی و به تبع آن در قانون مجازات در مورد فعلی که به رواج یک عمل ممنوع و حرام در جامعه می‌انجامد، به کار می‌رود، افساد فی‌الارض است. عنوان افساد فی‌الارض، پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ با ایده اسلامی نمودن قوانین کیفری وارد حقوق موضوعه گردید و زمینه اجرا پیدا کرد؛ اما از همان ابتدا به دلیل عدم رعایت بعضی از ویژگی‌های حقوق کیفری، ملاحظات سیاسی و نادیده گرفتن این که مفاهیم جزایی باید از تعریف صریحی برخوردار باشند، مورد انتقاد واقع گردید، لذا برای درک بهتر مطلب و ایجاد تصویری روشن از مسئله ضمن ارائه معنای ریشه عنوان افساد فی‌الارض و عمده تعاریف فقها و حقوق‌دانان، به مطالعه عناوین و واژه‌های مرتبط با آن پرداخته می‌شود. ثنویت یا یگانگی دو موضوع محاربه و افساد فی‌الارض از مباحث مهم فقه جزایی است برخی متون فقهی و نیز برخی قوانین به تبع قرآن کریم این دو عنوان را در کنار هم ذکر کرده‌اند. به گونه‌ای که موهم این معناست که این دو، یک جرم به‌شمار می‌روند در مقابل برخی از فقیهان در ضمن، بحث از جرائمی نظیر به آتش کشیدن منازل، تکرار قتل بردگان و غیر مسلمانان و... معترض عنوان افساد شده و مرتکبان اعمال مزبور را به عنوان مفسد فی‌الارض مستحق مجازات قتل یا قطع دانسته‌اند. برجسته نبودن عنوان مباحث افساد فی‌الارض در متون فقهی و طرح مباحث آن در ضمن موضوعات دیگر، موجب بروز این شبهه شده است که اصولاً جرمی تحت عنوان افساد فی‌الارض وجود ندارد؛ لکن با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و به موجب ماده ۲۸۶ آن، جرم افساد فی‌الارض با مستندی عام به فهرست

عناوین مجرمانه اضافه گردید و در عمل به مباحث نظری در خصوص تفکیک یا عدم تفکیک آن پایان داد. اگرچه نقدهای فقهی جدی و متعددی بر مبانی این رویکرد جدید وارد است؛ اما این اقدام در مقایسه با مصداق‌گرایی رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات تلقی می‌گردد. تصویب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، به عنوان آخرین اراده قانون‌گذار حکایت از پذیرش مستقل جرم افساد فی‌الارض در مقایسه به جرم حدی محاربه دارد. اگرچه در خصوص اصل جرم‌انگاری افساد فی‌الارض از جرم محاربه، مباحث انتقادی عدیده‌ای از منظر فقهی قابل طرح است اما این ماده قانونی یگانه مقررانی است که جرم افساد فی‌الارض را با تبیین آن وارد نظام حقوقی. کیفری ایران کرده است. اگرچه اقدام قانون‌گذار در جرم‌انگاری افساد فی‌الارض، به لحاظ تعیین شرایط، ارکان و کیفیت تحقق جرم، تلاشی در اصل قانونی بودن جرم و مجازات تلقی می‌گردد، لکن مستند قانونی آن دارای ابهام‌هایی است که بر نکات مثبت آن سایه افکنده است و پرسش‌هایی را به ذهن متبادر می‌کند علی‌رغم مطرح نشدن موضوع افساد فی‌الارض در کتب فقهی جرم افساد فی‌الارض جرم مستقل از جرم محاربه است. به گونه‌ای که جرم محاربه یکی از مصادیق افساد فی‌الارض هست. عده‌ای از فقهای اسلام مواردی مانند عادت به کفن دزدی، تعرض به نوامیس مردم، تخریب منازل و بیمارستان‌ها، تسخیر ارواح و آدم‌ربایی و... را از جمله موارد افساد فی‌الارض دانسته و مجازات اعدام را برای آن در نظر گرفته‌اند. بعضی از آن‌ها نیز تصریح کرده‌اند که افساد فی‌الارض یک قاعده عام است، به گونه‌ای که محاربه و قطع الطریق

رسیدگی و هم‌چنین پیش‌بینی و به‌کارگیری ضمانت‌اجراهای متنوع و متناسب کیفری، اداری، مدنی و ترمیمی است.

تمرکز پژوهش‌های موجود بر چالش‌ها و آثار تسری افساد فی الارض به جرائم اقتصادی می‌باشد؛ حال آنکه تمرکز پژوهش حاضر بر مفهوم و مصادیق اقتصادی افساد فی الارض می‌باشد که همین موضوع نیز نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا در مصادیق افساد فی الارض، می‌توان ردپای اقتصاد و جرایم اقتصادی را یافت؟ که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشد.

## ۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز بصورت کتابخانه‌ای است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## ۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یکی از مباحث مهم در حقوق کیفری اسلام، افساد فی الارض است. این جرم فاقد مستندات فقهی متقن است؛ اما در عین حال، باتوجه به شرایط اقتصادی خاص، کاربرد فراوانی در نظام حقوق کیفری ایران دارد. این عنوان مجرمانه تعریف موسع در قانون مجازات اسلامی دارد و لازم است مفهوم و مصادیق آن در منابع فقهی جدید امامیه مورد تحلیل قرار گیرد. به بیان ساده‌تر،

فقط یکی از مصادیق افساد است. در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله اسدی و همکاران تحت عنوان «تسری افساد فی الارض به جرائم اقتصادی: بسترها و چالش‌ها» اشاره کنیم. از نظر نویسندگان، صرف‌نظر از فقدان مبانی قابل اتکای برای جرم انگاری علیحده افساد فی الارض در دیدگاه مفسرین کتاب و فقهای امامیه و عامه، مطالعه بسترهای سوق دهنده قانون‌گذار به تسری این عنوان مجرمانه بدیع به جرائم اقتصادی، حاکی از غلبه دیدگاه‌های عوام‌گرایانه و ابزارگرایانه در قانون‌گذاری کیفری مرتبط با جرائم اقتصادی است. تأثیرپذیری از دیدگاه‌های مزبور، بروز چالش‌هایی عمده همچون اتخاذ رویکردهای سرکوبگر و عدم التفات به ویژگی‌های خاص جرائم اقتصادی و مرتکبین آن‌ها را موجب گردیده است. الصاق برچسب امنیتی مفسد فی الارض به متهم اقتصادی و کاهش توانایی متداعیین کیفری برای هدایت پرونده در مسیر دادرسی منصفانه از یک‌سو و تسهیل فرار مرتکب از مجازات قانونی مقرر به دلیل عدم تمایل رویه قضایی به استفاده از کیفر سالب حیات و در نتیجه زوال بازدارندگی کیفر از سوی دیگر، بخشی از توالی فاسد‌مترتب بر چالش‌های فوق‌الشاره است. به نظر می‌رسد سیاست جنایی سنجیده در قبال جرائم اقتصادی، اقتضای توسل به شیوه‌های کیفری سلبی همچون کیفرزدایی را دارد. هم‌چنین مقاله صدیقیان و همکاران تحت عنوان «آثار تسری افساد فی الارض به جرائم اقتصادی با تکیه بر ویژگی‌های خاص این جرائم» حائز اهمیت می‌باشد. از نظر نویسندگان، مقابله سنجیده با جرائم اقتصادی بیش از هر چیز به جای صرف متوسل شدن به شدیدترین ابزارهای سرکوبگر کیفری، نیازمند اتخاذ رویکردی افتراقی در

است، یعنی فساد در زمین واقع می‌شود، بنابراین این عنوان همه مفاسدی را که در زمین به وقوع می‌پیوندد را در بر می‌گیرد. احتمال دوم - تقیید فساد بر قید «فی‌الارض» بر این معنا دلالت دارد که «فساد در زمین حلول می‌کند و زمین فاسد می‌شود». بر این اساس افساد در زمین به معنی تباه کردن زمین است اما نه بدان معنا که ذات زمین تباه می‌شود؛ بلکه بدان معنا که حالت صلاح و سامانی زمین تباه می‌گردد. احتمال سوم - فساد به این وجه که زمین به‌عنوان محل سکنی انسان و استقرار او مناسب زندگی نباشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ۲۳۷)

#### ۵-۲. اصطلاح «افساد فی‌الارض»

#### ۵-۲-۱. مفهوم افساد فی‌الارض از دیدگاه فقها

در بررسی کتب فقهی، ملاحظه می‌شود که فقها هیچ بایی را در حدود، تحت عنوان افساد فی‌الارض بیان ننموده‌اند و لذا کمتر تعریفی از فقها در خصوص افساد فی‌الارض یافت می‌شود. به همین جهت بعضی مدعی شده‌اند که چون فقها متعرض عنوان «افساد فی‌الارض» نشده‌اند پس چنین عنوانی در فقه وجود ندارد. در پاسخ به این موضوع چنین گفته شده است: "تلازمی بین ثبوت احکام و عنوان شدن آن‌ها در کلمات فقها نیست؛ چون کلمات فقها معمولاً پیرامون احکامی است که یا در سنت مطرح شده و اگر از کتاب هم گرفته شده باشد، خصوصیات آن با سنت بیان گشته است، اما اگر حکمی به طور صریح از کتاب به دست آید و ابهامی نداشته باشد، علتی برای عنوان کردن آن به طور مستقل در بین نخواهد بود. مانند فتنه‌انگیزی و ایجاد فساد و اسراف و یا اخلال در زندگی مردم و ظلم و ستم در حق دیگران. در

افساد فی‌الارض از عناوینی است که از فقه جزایی وارد قوانین کیفری شده است در قانون مجازات همانند فقه هیچ تعریفی از این جرم نشده است و فقها هیچ بایی در حدود، تحت عنوان افساد فی‌الارض بیان ننموده‌اند و فقط به ذکر مصادیقی تحت این عنوان اکتفا نموده‌اند مثل آدم ربایی و آدم فروشی، آتش افروزی در خانه دیگری، عادت کردن به قتل اهل ذمه و بردگان و... که از آن‌ها به‌عنوان مصادیق پیشین افساد فی‌الارض نام برده می‌شود.

#### ۵. بحث

#### ۵-۱. واژه افساد فی‌الارض

با توجه به این که هر لفظی دارای معنای خاص خود است و معنای اصطلاحی نیز وام‌گیر از همان معنای لغوی می‌باشد (نعنا کار، ۱۳۷۷، ۳۲)، در این جا ابتدا معنای لغوی افساد و قید آن «فی‌الارض» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فرهنگ معین لفظ «فسد» به معنای تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن و نیز به معنای تباهی، خرابی، فتنه، شرارت و بدکاری آمده است (معین، ج ۲، ۱۳۶۴). در فرهنگ عمید نیز «فسد» به معنای نابود شدن، از بین بردن، متلاشی شدن، تباهی، خرابی، فتنه و آشوب آمده است (عمید، ۱۳۸۸، ۸۹۱). در جای دیگری آمده است افساد از ریشه «فَسَدَ، يَفْسِدُ، اِفْسَادٌ، فساداً» بر باب افعال ضد صلاح و به معنای «خارج شدن از حد اعتدال و بر هم زدن نظم هر چیزی» تفسیر شده است (موسوی بجنوردی، ج ۱، ۱۳۶۷، ۲۰۵).

در مورد قید فساد در زمین سه احتمال ذکر نموده‌اند: احتمال اول - این قید برای برای بیان ظرف فساد

تشریحی هر چیزی است. لذا مفسد کسی است که شیء را از حالت سلامت و صلاح بیرون ببرد و در رأس مفسدین، مفسدی قرار دارد که به منظور سلب امنیت و ایجاد رعب و وحشت برای مردم دست به اسلحه می‌برد و مقاتله و جنگ و قتال نظام صالح را که مقتضای ربوبیت خداوند است به مخاطره می‌اندازد. اما فساد منحصر به محاربه نیست و خروج از اعتدال به هر کیفیتی و هر میزانی و با هر شیوه و وسیله ای که صورت بگیرد فساد تحقق می‌یابد. بنابراین جرایمی مانند تشکیل باندهای فحشا و منکرات و ارتشاء و کلاهبرداری، قاچاق مواد مخدر، تحریک و تشویق مردم به بی‌عفتی و هرزگی و امثالهم که همگی منجر به خروج از حالت اعتدال و میانه روی که حرکت به سوی خداست - می‌شوند، از مصادیق افساد فی الارض هستند» (حبیب‌زاده ۱۳۷۰، ۳۱). در جای دیگری در همین اثر آمده است: «افساد در ارض اعم است و محاربه اخص؛ لیکن نه به آن معنا که فساد در ارض همه گناهان را شامل است، بلکه به این معنا که تنها گناهانی را شامل می‌شود که دارای مفسده عمومی هستند، از قبیل اشاعه فحشا، ایجاد اغتشاش و بی‌نظمی، قاچاق و شیوع مواد مخدر؛ مسایلی از این قبیل که محاربه یکی از مصادیق بارز آن است که میزان مجازات آن به دلیل رکن خاص مادی آن به طریق مذکور در آیه تعیین شده است» (حبیب‌زاده ۱۳۷۰، ۳۱). با دقت نظر در تعریف فوق، این نتیجه حاصل می‌گردد که ظاهراً جمع بین تعریف لغوی و اصطلاحی عبارت مورد نظر صورت گرفته است. از دیگر موارد قابل ذکر در این تعرف می‌توان به عام بودن آن اشاره نمود، به نحوی که هر عملی را شامل می‌شود، تعریف کلی همراه با مصادیق آیت الله گیلانی را مورد توجه داشته است.

عین حال که حرمت آن‌ها بدیهی و ضروری است، لیکن هیچ کدام از فقها متعرض آن نشده‌اند و فقط برخی از خصوصیات آن‌ها از قبیل «اعانت ظالم» را مورد بحث قرار داده‌اند» (ابطحی کاشانی ۱۳۶۴، ۳۴-۳۳).

به هر حال از آنجایی که در کتب فقهی معروف شیعه، بابتی تحت عنوان افساد فی الارض اختصاص داده نشده است، تعریف ویژه و روشنی، مطابق آن چه که در مورد محاربه بیان شده است یافت نمی‌شود، اما عده‌ای بر این عقیده‌اند که با بررسی و دقت در کتب فقهی معتبر به نتیجه می‌رسیم که با وجود عدم اختصاص بابتی تحت عنوان «افساد فی الارض» توسط فقها، مصادیق زیادی برای آن شمرده‌اند؛ حتی می‌توان این چنین استنباط نمود که چون لفظ افساد در نظر فقها لفظی عام است، لذا به جای تعریف آن که ممکن است شبهات متعدد را به وجود آورد تنها به ذکر مصادیق بسنده کرده‌اند.

## ۵-۲-۲. افساد فی الارض در اندیشه نویسندگان و حقوق دانان

«افساد فی الارض» از عناوینی است که بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، وارد قوانین جزایی گردید و از آن جا که یک عنوان کاملاً فقهی است، موجب شده تا کمتر حقوقدانی نسبت به تعریف آن اقدام نماید. در کتاب «بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض» در تعریف افساد فی الارض چنین آمده است: «به طور کلی کلمه فساد و مشتقات آن در ۵۰ مورد از قرآن به کار رفته است که هر یک دارای مصداقی خاص هستند، اما جامع بین همه آن‌ها همان خروج از اعتدال و به هم ریختن اعتدال و نظم طبیعی یا

عمدی هرکس یا کسانی، برای برهم زدن امنیت و سلامت نظام جامعه اسلامی به قصد براندازی و یا ضربه زدن به آن و یا علم به مؤثر بودن این رفتار در مقابله با آن» (نعناکار، ۱۳۷۷، ۶۱). به نظر می‌رسد، در این تعریف نیز نویسنده سعی کرده است که افساد را از مفهوم محاربه به طور مستقل تعریف کند ولی این تعریف نیز خالی از اشکال نیست، زیرا در آن تنها موردی که مرتکب را تحت عنوان افساد قرار می‌دهد قصد براندازی و ضربه زدن یا علم به مؤثر بودن آن می‌باشد که این نمی‌تواند کافی باشد چراکه این مورد در بسیاری از جرائم علیه امنیت نیز وجود دارد؛ ولی فرد را تحت عنوان افساد فی‌الارض قرار نمی‌دهد.

در تعریف دیگری که دو نفر از اساتید حقوق جزا، به نقل از کتاب «نظری به قوانین جزایی اسلام»، در کتب خود آورده‌اند، چنین آمده است: «تباید مفهوم محارب و مفسد فی‌الارض را به یک معنی به کاربرد، زیرا مراد از مفسد فی‌الارض کسی است که در جهت فاسد کردن دیگران تلاش و کوشش داشته و قصد ستیزه جویی، گردنکشی، پیکار و محاربه با خدا و رسول خدا را دارد» (ولیدی، ۱۳۷۴، ۲۴۷؛ شامبیاتی، ۱۳۷۱، ۳۰۷). از نظر ما، در خصوص تعریف مزبور اشاره به دو نکته ضروری است؛ یکی این که آن چیزی که از ظاهر تعریف بر می‌آید، صرف اشاره به فرق میان محاربه و افساد فی‌الارض است و دیگر این که، با بیان عبارت «قصد پیکار و محاربه با خدا و رسول خدا را دارد»، این شبهه حادث می‌شود که این جرم فقط مربوط به زمان رسول خداست.

ایمانی در کتاب خود معتقد است که عبارت «افساد فی‌الارض» دلالت بر عنوان مجرمانه مشخصی ندارد و در تعریف و تبیین این مفهوم می‌نویسد: «...در

در کتاب «مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام» تنها اشاره ای گذرا به جرم افساد فی‌الارض گردیده است و در مقام بیان تعریف آن چنین آمده است: «فساد در زمین قید دیگری است که در آیه ۳۳ سوره مائده وجود دارد. فساد در زمین با توجه به قید زمین جنبه عمومی جرم را می‌رساند. هر معصیت و جرمی فساد است اما فساد در زمین نیست، آن چه به عنوان مصادیق محاربه قبلاً نام برده شد و نا امن کردن راه‌ها و شهرها و اغتشاش در جامعه و سلب امنیت از مردم، به وسیله قوای قهریه و سلاح همه از مصادیق آشکار فساد در ارض، مفسد فی‌الارض و محاربه است» (فیض، ۱۳۶۸، ۹۹). به نظر ما، این تعریف نیز جامع و مانع اغیار نمی‌باشد حتی می‌توان گفت که تعریفی از افساد فی‌الارض بیان نشده است. شاید بتوان از معنای این کلام، رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق بین افساد فی‌الارض و محاربه را استخراج نمود.

تعریف دیگر از آقای رجب گلدوست جویباری است «افساد فی‌الارض عبارت است از: اقدام به عملی که موجب نابودی انسان‌ها و یا اموال مردم یا غارت آن‌ها و یا اقدام به عملی که موجب ایجاد فتنه و تفرقه و آشوب در میان افراد و یا اقدام به عملی که موجب گسترش فساد و انحراف اخلاقی عده‌ای از مردم به هر نحو از انحاء گردد» (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷، ۴۹). خود ایشان در پایان تعریف بیان کرده است که این تعریف خالی از اشکال نیست ولی می‌تواند در بدست دادن ملاکی برای تشخیص مصادیق افساد فی‌الارض مورد توجه قرار گیرد. یکی از نویسندگان دیگر افساد را این‌طور تعریف می‌کند «افساد فی‌الارض عبارت است از هرگونه رفتار آگاهانه و

در سطح ملی و اجتماعی بالا برد تا برخوردهای شدیدی با آن شود.

### ۵-۳. مصادیق اقتصادی افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲

در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی آمده است. «هرکس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا و معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی گردد یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد. مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. مصادیق افساد فی الارض را طبق قانون جدید که از آن‌ها به عنوان مصادیق جدید افساد فی الارض یاد می‌شود می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- جرائم علیه تمامی جسمانی: که این جرائم تمامی جرائم علیه تمامیت جسمی انسان از قبیل قتل و جرح و ضرب و شتم و قاچاق انسان را در بر می‌گیرد.
- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور: این عنوان نیز خود گستره‌ی وسیعی دارد و تمامی جرائم علیه امنیت را در بر می‌گیرد: از جمله جاسوسی و تشکیل دسته یا جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور، تبلیغ علیه نظام، تحریک نیروهای رزمنده به

اصطلاح فقه جزایی مترادف با محاربه می‌باشد و عنوان مجرمانه مشخص و مبین ندارد، به سخن دیگر، به هم ریختن اعتدال و نظم عادی جامعه و ایجاد فساد در زمین به منظور سلب امنیت و آسایش عمومی و ایجاد رعب و هراس برای مردم با استفاده از سلاح و مقاتله و جنگ، افساد فی الارض است و تنها نوع مخصوص و صریح مجرمانه آن محاربه می‌باشد» (ایمانی، ۱۳۸۶، ۸۱). به نظر می‌رسد در مورد این تعریف کافی باشد که تنها به این نکته اشاره شود که مستفاد از کلام فقها، این گروه از حقوق دانان افساد را به شکل خاصی از جرائم علیه امنیت قلمداد نموده‌اند و آن را مترادف محاربه می‌دانند و افساد فی الارض را یک مفهوم عام می‌دانند که مصداق اصلی و بارز آن محاربه می‌باشد.

با توجه به آنچه فقها در مورد افساد بیان نموده‌اند و تعاریف حقوق دانان و با لحاظ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ می‌توان تعریف زیر را از افساد بیان نمود: «هر عمل مجرمانه‌ای که در حد وسیع ارتکاب یابد و با توجه به قوانین جزایی و عرف زمان و مکان جزء جرائم سنگین و بزرگ به شمار رود و در نتیجه باعث ایجاد اختلال شدید و گسترده در اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی گردد مصداق افساد فی الارض شناخته می‌شود». هرچند این تعریف خالی از اشکال نیست ولی می‌تواند معیاری برای تعیین مصادیق افساد فی الارض باشد. بنابراین ضمن این که با این تحلیلات و تعاریف، عنوان افساد فی الارض در عرصه مطالعات جرم‌شناسی با محوریت امنیت و ثبات در جامعه قرار می‌گیرد، هر تهدیدی را هرچند ساده یا یکسری تهدیدهای بزرگ را می‌توان

چه طریقی باشد از طریق مواد منفجره یا اعمال فیزیکی دیگر، نهب و غارت و اتلاف اموال عمومی یا خصوصی و یا از بین بردن اسناد تجاری یا غیر تجاری دولتی و اختلال و تخریب در تأسیسات شبکه‌های آب، برق و نفت و گاز و ...

– پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک: این مورد شامل پخش مواد مخدر و سمی که برای حیاط انسان خطرناک می‌باشد و پخش میکروب‌ها و ویروس‌های واگیردار خطرناک که می‌تواند سلامت جامعه را از بین ببرد یا پخش مواد شیمیایی و سلاح که امنیت جامعه را تهدید می‌کند.

– دایر کردن مراکز فساد و فحشا: دایر کردن مراکز برای اشاعه امور سکسی و روسپی‌گری یا ایجاد مراکز ترویج و ایجاد قمارخانه و ... شامل این مورد می‌شود.

در تمامی این مواردی که در قانون مجازات اسلامی بیان شده است گستردگی اعمال مجرمانه شرط تحقق افساد فی الارض می‌باشد بنابراین برای اینکه اعمال مجرمانه ذکر شده در ماده تحت عنوان افساد فی الارض قرار بگیرد باید در سطح وسیعی به وقوع پیوندد علاوه بر آن تمامی این اعمال باید موجب ناامنی و اختلال شدید در نظم عمومی کشور یا ورود خسارت به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی و اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد (منصوری و همکاران، ۱۴۰۲، ۵۵). از نظر ما، همانطور که مشخص است آثار زیانبار این اعمال نیز باید در حد وسیع باشد. از تمامی این مصادیقی که در ماده بیان شده است به عنوان مصادیق جدید

عصیان و فرار و تسلیم، همکاری با دول خارجی متخاصم با جمهوری اسلامی ایران.

– تهدید به بمب‌گذاری هواپیما و کشتی و وسایل نقلیه با هدف برهم زدن امنیت کشور.

– اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی.

– نشر اکاذیب: نشر اکاذیب عبارت از اشاعه دادن و پخش نمودن مطالب دروغین و موهون که باعث اختلال در نظم عمومی کشور می‌شود که برای صدق عنوان افساد بر آن گستردگی نشر و ایجاد حداقل یکی از آثار ذکر شده در انتهای ماده ۲۸۶ لازم است.

– اختلال در نظم اقتصادی کشور: اختلال در نظم اقتصادی از طرق مختلفی ممکن است روی دهد که در قانون مجازات اخلاک‌گران اقتصادی موارد چندی از آن نام برده شده است؛ از قبیل گرانفروشی، کم فروشی، اختلال در امر توزیع مایحتاج ارزاق عمومی، اختلال در امر تولید، خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی از کشور، اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اختلال در نظام صادراتی و ... و هم‌چنین ماده ۴ تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری.

– احراق و تخریب: آتش زدن اموال اشخاص یا اموال عمومی و یا تخریب آن‌ها در زمره‌ی این جرائم است. فرقی ندارد که تخریب از

در بندهای ۱ و ۲ و ۳ مواد ۴ و ۵ در صورتی که در نتیجه تکرار جرم مجموع مواد مخدر به بیش از ۵ کیلوگرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است. در ماده ۹ نیز تکرار جرم برای بار چهارم مرتکب را مشمول مفسد فی الارض قرار می‌دهد. مجازات مرتکب به جرائم مذکور از بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار چهارم چنانچه مجموع مواد در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض می‌باشد (باختر و رئیسی، ۱۳۹۹، ۷۱).

در اصلاحیه مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷، اگرچه در ماده ۹ تغییر اساسی ایجاد نشده ولی عنوان مفسد فی الارض از ماده ۶ حذف گردید هرچند مجازات اعدام برای قاچاقچیان باقی ماند.

اجرای مجازات اعدام در خصوص مرتکبین جرائم مواد مخدر مبتنی بر دو مقدمه است، اولاً حدی با عنوان افساد فی الارض در فقه تشریح شده است و ثانیاً مرتکبین این جرائم مصداق آن حکم شرعی هستند. کما اینکه از نظر فقهی نیز همین دو امر بایستی احراز شود تا بتوان مجازات اعدام را بر مرتکبین بار نمود. به عبارت دیگر بحث کبروی این حکم عبارت است از اینکه آیا از نظر منابع فقهی چنین حدی از سوی شارع مقدس تشریح شده است یا خیر؟ اما بحث صغروی این حکم شرعی آن است که بر فرض پذیرش این حکم فقهی، چه رفتارهایی را می‌توان مصداق مفسد فی الارض دانست؟ تاکنون بیشتر مباحث متوجه بحث حکمی این موضوع بوده است و ادله فقهی، له و علیه حکم افساد فی الارض مورد مذاقه قرار گرفته است اما به این امر کمتر پرداخته شده است که با فرض پذیرش این حکم فقهی، چه کسانی مصداق این حکم هستند و با چه

افساد فی الارض نام برده می‌شود. علاوه بر مصادیق ذکر شده در ماده می‌توان این موارد را نیز تحت عنوان افساد فی الارض قرار دارد مانند وارد و ترویج‌دهندگان فرهنگ‌های ضد دینی و عاملین جنگ نرم، ایجاد کنندگان سقط جنین غیر قانونی، قاچاق اعضای بدن انسان، ترور شخصیت‌های علمی، قاچاق مهاجران، فساد اداری و تطهیر پول.

#### ۴-۵. مصادیق اقتصادی افساد فی الارض در سایر قوانین موضوعه ایران

قانونگذار ایران در موارد متعددی به ذکر مصادیقی از افساد فی الارض پرداخته است ولی در هیچ یک از این قوانین تعریفی از افساد فی الارض نشده است و عناصر و ارکان این عنوان نیز بیان نشده تا در تطبیق مصداق بر عنوان، برای قاضی راهگشا باشد به هر حال در زیر این قوانین بیان می‌شود.

#### ۴-۵-۱. قانون مبارزه با مواد مخدر

بدیهی است که، جنبه اقتصادی این مصداق در بحث ورود پول نامشروع به نظام اقتصادی کشور و ارتباط آن قبا جرائمی مانند پول‌شویی می‌باشد. قانون مبارزه با مواد مخدر در مواد ۶ و ۹ این قانون مصوب ۱۳۶۳/۸/۳ عنوان مفسد فی الارض به کار برده شده است شورای عالی قضایی در بخش‌نامه شماره ۱۳۶۱/۹/۱-۱۶/۴۳۳۸۳ در توضیح عنوان مفسد فی الارض در خصوص قاچاقچیان مواد مقرر داشته مجازات اعدام برای قاچاقچیان زمانی منطبق با موازین اسلامی است که خسارت مجرم در حدی باشد که موجب انطباق عنوان مفسد بر او باشد. یعنی فعالیت او در این زمینه سبب فساد در ناحیه یا منطقه‌ای از زمین شود. مجازات مجرم در این قانون

اسکناس جعلی است آن را استفاده کند، مجرم شناخته می‌شود. جعل برای برهم زدن وضع نظامی یا سیاسی، قاچاق، اخلال در نظام ارزی کشور و... در نظام کیفری ما جرم شناخته شده و مجازات آن بسته به شرایط ارتکاب جرم از زندان، جزای مالی تا اعدام متفاوت است. این حقوق دانان برجسته کشور در مورد نوع و میزان مجازات مجرمان جعل اسکناس به «حمایت» می‌گوید: میزان مجازات باید متناسب با قبح و خطر اجتماعی جرم ارتکاب یافته باشد هر چه میزان آسیب‌رسانی به جامعه کمتر باشد، جرم نیز کوچک‌تر است. این کیفرشناس توضیح می‌دهد: معمولاً در دنیا جرائم ۳ نوع است: ۱. جنایات خیلی مهم؛ ۲. جنایات نیمه سنگین؛ ۳. جنایات ساده که امور خلافی را شامل می‌شود. نوع سوم، خود به چند دسته تقسیم می‌شوند: اعدام، حبس دائم، حبس جنایی یک، حبس جنایی دو، حبس تعلیقی و در آخر جزای نقدی. هر اندازه قبح عمل و خطر عمل برای جامعه بیشتر باشد، جرم سنگین‌تر است و مجازات بیشتری در پی دارد. آخوندی تأکید می‌کند: نوع مجازات جرائم نیز به انتخاب قاضی بستگی دارد و الزاماً، ما نیازی به قانونی جدا برای حکم صادر کردن نداریم (بای، ۱۳۹۳، ۱).

### ۳-۴-۵. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشای اختلاس و کلاهبرداری

در ماده ۴، قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۷/۹/۱۵ آمده است: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد

معیاری می‌توان به شناخت مصادیق حکم افساد فی الارض همت گمارد؟ و در نهایت در تطبیق این معیار بر قانون جرایم مواد مخدر، آیا رفتارهایی که در قانون دارای مجازات اعدام هستند، واقعاً مصداق مفسد فی الارض محسوب می‌شوند یا خیر؟ اهمیت این موضوع از آنجایی بیشتر می‌شود که قانون‌گذار در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی تلاش کرده است که به ارائه تعریفی از جرم افساد فی الارض بپردازد و این مفهوم را روشن نماید (سیفی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۷۸).

### ۲-۴-۵. قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس

در ماده واحده این قانون مصوب ۶۹/۱/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت آمده است: «هرکس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا به واسطه جعل کند یا با علم به جعلی بودن توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باشد و یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد به اعدام محکوم می‌شود. هم‌چنین عامل عامد عالم ورود اسکناس مجعول به کشور به عنوان مفسد به اعدام محکوم می‌گردد؛ مگر آنکه عضو باند نبوده و قصد مبارزه با نظام نداشته و در محکمه ثابت شود که فریب خورده است (شکری، ۱۳۸۷، ۴۴۶).

وجود قوانین متعدد در مورد جرم جعل و مجازات، موضع نظام کیفری ما را در برابر جرم جعل دچار ابهام کرده است. دکتر محمود آخوندی، در گفت‌وگو با «حمایت» با اشاره به اشکال مختلف جرم جعل اسکناس می‌گوید: طبق قوانین کشور ایران، کسی که اسکناسی را جعل کند یا با آگاهی به این موضوع که

محکوم می‌شود. الف: اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس و ... ب) اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی ... ج) اخلال در نظم تولیدی کشور ... د) هرگونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی ... ر) وصول وجوه کلان به صورت سپرده‌ی اشخاص ... و) اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی (جعفری و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۱).

با توجه به شدت و ضعف اعمال ارتكابی در قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مجازات های متفاوتی در نظر گرفته شده است. این مجازات ها با توجه به عمل انجام شده می‌تواند، اعدام، شلاق، مجازات نقدی و حبس باشد. پیش از آن که به شرح مجازات های اخلال گران نظام اقتصادی بپردازیم، بر اساس قانون، مجازات اخلال در نظام اقتصادی کشور، به این شرح است:

حالت اول - که اگر که هر یک از اعمال مذکور در بند قبل چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام باشد، چنانچه در حد افساد فی الارض باشد (یعنی از گستردگی و وسعت قابل توجهی برخوردار باشد) مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق ایجاد این اخلال به دست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی نیز محکوم نماید.

اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و در آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آن‌ها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود. در این ماده چنین بیان گردیده است که اگر اعمال مذکور صدق عنوان افساد فی الارض کند شخص مفسد فی الارض خواهد بود، فلذا تعیین افساد فی الارض بودن اعمال مذکور در ماده را به عهده‌ی قاضی گذاشته، اما اینکه قاضی کدام معیار اعمال صورت گرفته را مصداق افساد فی الارض باند مشخص نگردیده (نعناکار، ۱۳۷۷، ۴۸). هم‌چنین منظور مقنن از «مصداق مفسد فی الارض باشند» صدق عنوان محاربه نیست به دلیل اینکه عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرائم مذکور در ماده هیچ گونه شباهتی با ارکان جرم محاربه ندارد. بنابراین مقصود مقنن آن است که هرگاه ارتکاب جرائم مالی فوق در سطح وسیع صورت گرفته و به قصد ایجاد اخلال در نظام اقتصادی حکومت اسلامی، فتنه‌گری و سست کردن پایه‌های نظام باشد چنین شخص مصداق عنوان مفسد فی الارض بوده و می‌توان او را اعدام کرد.

#### ۴-۴-۵. قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور

بر اساس مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹/۹/۱۹ هرگاه یکی از اعمال ذیل به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام صورت بگیرد. چنانچه اعمال مزبور در حد افساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام

قرآن کریم در سوره نور آیه ۱۹ نه تنها برای اشاعه‌کنندگان فحشا که حتی کسانی که در دل این عمل را دوست دارند؛ ولو اینکه اقدامی نکرده‌اند، وعده عذاب دردناک در دنیا و آخرت داده است. این تأکید قرآن بر عذاب درباره هر فردی است که دست به اشاعه فحشاء می‌زند. طبق نظر برخی از مفسرین اشاعه فحشا در قرآن کریم، غالباً در مورد انحرافات جنسی استعمال می‌شود. اما عده‌ای دیگر معتقدند هرگونه رفتار و گفتار زشتی مصداق اشاعه فحشا است. همانا برای کسانی که دوست دارند گناه در میان کسانی که ایمان آورده‌اند رواج یابد، عذابی دردناک در دنیا و آخرت هست (سوره نور، آیه ۱۹). کلمات فحشا، فاحشه، فواحش، جمعاً ۲۴ بار در قرآن آمده که به معنای زشتی، زشت‌کاری، عمل خلاف عفت، کار بسیار زشت، و ناپسند، زنا و لواط است (صدیقیان و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۴۲).

#### ۵-۴-۶. قانون تشدید مجازات محترمان و گران‌فروشان

در ماده ۵ این قانون اعمالی بیان شده که در صورت ارتکاب آن‌ها طبق شرایط و دفعات و مراتب برای مرتکب مجازات تعیین شده است. از جمله این اعمال گرانفروشی بیشتر از نرخ مقرر - دریافت اجرت بیشتر از نرخ مقرر - معامله صوری برای دریافت وجه بیشتر از نرخ مقرر - استفاده از مواد نامرغوب بدون تنزیل قیمت - کم فروشی خود داری از فروش کالا - امتناع از ارائه فاکتور و غیره. در ماده ۶ این قانون آمده است. «چنانچه اعمال فوق به عنوان مقابله با حکومت صورت گیرد و مرتکب مصداق محارب باشد به مجازات آن محکوم می‌شود». همان‌طور که ملاحظه می‌شود با جرم موضوع ماده ۵ این قانون

حالت دوم - در مواردی که اخلال، عمده یا کلان یا فراوان نباشد، مرتکب حسب مورد علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طریق اخلال به دست آورده محکوم می‌شود.

حالت سوم - در مواردی که اخلال از طرف شخص یا اشخاص حقوقی - مانند شرکت‌ها، اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونی‌ها و غیره انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام اقدامات، با علم و بصورت عمدی به گونه‌ای دخالت داشته‌اند، به مجازات مقرر در حالت اول محکوم خواهند شد و در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرسان یا بازرسان و به‌طور کلی مسئول یا مسئولین که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند خود مجرم محسوب می‌شوند (صدیقیان و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۳۱).

#### ۵-۴-۵. قانون مجازات فعالیت‌کنندگان غیر مجاز در امور سمعی و بصری

ماده ۳ این قانون در بند الف آمده است «الف - عامل اصلی تولید، تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستحجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و ۲۰۰ میلیون ریال محکوم خواهد شد و در هر حال چنانچه از مصادیق افساد فی الارض شناخته می‌شود به مجازات آن محکوم می‌گردند».

مستقلی دانسته شده است که دارای مصادیق متعدد می‌باشد جرائم سبک از حوزه افساد فی الارض خارج شده‌اند و یک قاعده قانونی و عرفی برای تشخیص جرائم سنگین بیان شده است. قاعده احتیاط در نفوس نیز این ضرورت را ایجاد می‌کند که در تعیین مصادیق این عنوان که دارای کیفر سنگینی است محتاط باشیم. از طرفی هم برخلاف نظر برخی از حقوقدانان در آن وقوع اختلال شدید شرط شده است و تنها داشتن قصد ایجاد اختلال و ایجاد ناامنی کافی دانسته نشده است. تعریف نگارنده نیز خالی از اشکال نیست امید است که مقدمه‌ای برای تعریف افساد در اصلاحات قانون مجازات باشد. مفهوم افساد فی الارض با مفاهیمی چون محاربه و بغی مرتبط است و با آن‌ها دارای نقاط مشترک و نقاط افتراقی می‌باشد که شناخت این وجوه می‌تواند در هرچه بهتر شناختن این عنوان مؤثر باشد. مهم‌ترین نقطه اشتراک محاربه و افساد فی الارض این است که در هر دو مورد امنیت و سلامت جامعه اسلامی به مخاطره می‌افتد در هر دوی آن‌ها فرقی ندارد که مرتکب چه کسی باشد؛ ولی آنچه افساد را از محاربه متمایز می‌کند این است که افساد تنها مختص به امنیت نیست و دارای یک مفهوم کلی و عام است که می‌تواند مصادیق متفاوتی داشته باشد از قبیل ایجاد رانتهای اقتصادی برای از میان بردن اموال مردم و ... در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ به پیروی از دیدگاه ثنویت محاربه و افساد فی الارض این دو عنوان به‌طور مستقل جرم‌انگاری شده و برای هریک مجازات جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است. در این قانون افساد به‌عنوان یک مفهوم عام در نظر گرفته شده است که مصادیقی چون اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب و ... در بر می‌گیرد از این مصادیق به‌عنوان مصادیق جدید

ندارد پس منظور قانونگذار افساد می‌باشد. چرا که هرگاه گرانفروشی و احتکار به قصد ایجاد بحران و مقابله با احکام اسلامی باشد و آثار مخربی داشته باشد عمل مصداق افساد فی الارض خواهد بود.

## ۶. نتیجه

افساد فی الارض از عناوینی است که از فقه جزایی وارد قوانین کیفری شده است در قانون مجازات همانند فقه هیچ تعریفی از این جرم نشده است و فقها هیچ بایی در حدود، تحت عنوان افساد فی الارض بیان ننموده‌اند و فقط به ذکر مصادیقی تحت این عنوان اکتفا نموده‌اند مثل آدم ربایی و آدم فروشی، آتش افروزی در خانه دیگری، عادت کردن به قتل اهل ذمه و بردگان و... که از آن‌ها به عنوان مصادیق پیشین افساد فی الارض نام برده می‌شود. حقوقدانان نیز برای این عنوان فقهی تعریف جامع و مانعی ارائه نداده‌اند و در تعریف‌هایی که ارائه کرده‌اند بیشتر فاسد کردن جامعه و مخدوش کردن امنیت را ملاک این جرم قرار داده‌اند. پیشنهاد می‌شود با توجه به آنچه فقها در مورد افساد فی الارض بیان نموده و بسیاری آن را به عنوان مفهومی عام در نظر گرفته‌اند و با توجه به تعاریف حقوق دانان و همچنین قاعده عرف زمان و مکان در قوانین جزائی و بالحاظ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ مفهوم افساد فی الارض چنین تعریف نمود: هر عمل مجرمانه‌ای که در حد وسیع ارتکاب یابد و با توجه به قوانین جزائی و عرف زمان و مکان جزء جرائم سنگین و بزرگ به شمار رود و در نتیجه باعث ایجاد اختلال شدید و گسترده در اوضاع سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی جامعه گردد مصداق افساد فی الارض شناخته می‌شود. در این رویکرد افساد یک مفهوم عام و

مصادیق هر دو عنوان نوعی سنگینی و شدت جرم وجود دارد یعنی مصادیق هر دو مورد از جرائم سنگین می‌باشند. قانونگذار در مواردی رهبری شبکه‌های مجرمانه را مصداق افساد فی‌الارض دانسته است. مانند ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری. نکته‌ای که در پایان باید به آن عنایت داشت این است که، در حال حاضر به واسطه وجود تحریم‌های مختلف، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با بحران‌های داخلی و خارجی فراوانی مواجه است؛ این موارد بستر مناسبی برای ارتکاب جرائم اقتصادی فراهم نموده است. در حالت عادی، تمام انتقادات وارده به نظام کیفری و عدول از اصل احتیاط و رفتار منصفانه با مجرم، صحیح می‌باشد اما واقعیت این است که قانون‌گذار ایرانی در واکنش به وضعیت موجود، واکنش شدیدی نسبت به مصادیق اقتصادی افساد فی‌الارض نشان داده است. مع الوصف، غرض از این عبارات، توجیه معایب و نواقص قانونی نمی‌باشد، بلکه بیان یکی از علت‌های احتمالی وضعیت موجود است.

#### ۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

افساد فی‌الارض نام برده می‌شود. در قانون مجازات اسلامی سال ۹۲، مجازات افساد یک مفهوم کلی در نظر گرفته شده است که دارای مصادیق متعددی می‌باشد؛ ولی هیچ تعریفی از افساد به میان نیامده و عناصر و ارکان تشکیل‌دهنده جرم به وضوح مشخص نشده است تا ملاک و معیاری برای قاضی در تطبیق مصادیق بر عنوان بدست دهد که این باعث تفسیر موسع خواهد شد که با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در تعارض می‌باشد. در این قانون یک معیار برای تعیین افساد فی‌الارض بیان شده است و آن معیار «گسترده‌گی عمل و وسعت دامنه‌ی آثار جرم» است که این معیار نیز هرچند در تعیین مصادیق می‌تواند راهنما و راهگشا باشد ولی در قانون میزان این گسترده‌گی بیان نشده است. آیا حداقل گسترده‌گی لازم است تا جرم مشمول عنوان مفسد قرار گیرد. در جرائم اقتصادی که می‌توانند مصداق افساد فی‌الارض قرار بگیرند آیا می‌توان مبلغی را به عنوان میزان در نظر گرفت. بنابراین می‌توان به‌طور کلی این‌طور بیان نمود که «افساد فی‌الارض» یک مفهوم عام می‌باشد که می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد همان‌طور که بسیاری از فقها این مفهوم را کلی در نظر گرفته و برای آن مصادیقی را ذکر کرده‌اند و آنچه در این مقطع زمانی احساس می‌شود این است که با توجه به قاعده زمان و مکان این عنوان کلی دارای مصادیق نوینی می‌باشد که قانون‌گذار باید با تعیین عنصر مادی و روانی این جرم و مشخص نمودن ارکان تشکیل‌دهنده جرم دایره شمول جرم را مشخص نماید. بسیاری از مصادیق جرائم سازمان‌یافته منطبق بر مصادیق افساد فی‌الارض هستند که با وجود گسترده‌گی عنصر مادی و وسعت دامنه آثار جرم می‌توانند تحت عنوان افساد فی‌الارض قرار بگیرد، در

## منابع

- شکری، رضا؛ سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظام حقوقی کنونی، تهران، چاپ هفتم، تهران، نشر خط سوم، ۱۳۸۷.
- صدیقیان، امیرمحمد؛ اسدی، علی؛ زارع مهرجردی، علی، «آثار تسری افساد فی الارض به جرائم اقتصادی با تکیه بر ویژگی‌های خاص این جرائم»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۵۱، ۱۴۰۱.
- صدیقیان، امیرمحمد؛ اسدی، علی؛ زارع مهرجردی، علی، «تسری افساد فی الارض به جرائم اقتصادی: بسترها و چالش‌ها»، مجله مطالعات سیاسی، شماره ۵۱، ۱۴۰۰.
- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد ۲، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- گلدوست جویباری رجبعلی، جرائم علیه امنیت، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
- معین، محمد، فرهنگ معین، جلد ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴.
- منصوری، مهدی؛ رحیمی، محمد مهدی؛ خواجه-پور، کمال، «سازمان‌یافتگی؛ معیار مغفول جرم قاچاق کالا و افساد فی الارض»، مجله فقه و جزای تطبیقی، شماره ۱۰، ۱۴۰۲.
- موسوی بجنوردی، محمدکاظم، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱، تهران، انتشارات مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- نعناکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، تهران، انتشارات مرسل، چ اول، ۱۳۷۷.
- ابطحی کاشانی، سیدمحمد، «مفسد فی الارض»، مجله نور، شماره ۴، ۱۳۶۴.
- ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، چاپ دوم، تهران، انتشارات نامه هستی، ۱۳۸۶.
- باختر رئیسی، احمد، مسعود، مجموعه کامل قوانین و مقررات اجرای احکام، تهران، نشر خط سوم، ۱۳۸۱.
- بای، حسینعلی، افساد فی الارض چیست، مفید فی الارض چیست؟ مندرج در وبسایت [www.danesh.ir](http://www.danesh.ir) مراجعه شده در ۲۰ مرداد ۱۳۹۳.
- جعفری، مهران؛ رستمی، رامین؛ جمادی، علی؛ بابایی، داریوش، «بررسی فقهی - حقوقی جرم اخلال در نظم اقتصادی با تأکید بر افساد فی الارض»، فقه جزای تطبیقی، شماره ۶، ۱۴۰۱.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
- سیفی، آناهیتا؛ نوظهور امناب، جبرائیل؛ فانی، رضا، «امکان‌سنجی فقهی و حقوقی الغای کیفر اعدام در جرم اخلال در نظام اقتصادی با تأکید بر رویه قضایی در حقوق ایران»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۳، ۱۴۰۱.
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۱.

- هاشمی شاهرودی، محمود، بایسته‌های فقه جزا، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.

- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر داد، ۱۳۷۴.



## The Concept and Evidence of Economic Corruption in the Land in the Perspective of the Legal System of Iran and the Imami jurisprudence

Ebrahim Moradi<sup>1</sup>, Ahmed Falahi<sup>2\*</sup>, Shahram Mohammadi<sup>3</sup>

1. Ph.D Student In Criminal Law and Criminology, Department of Law, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 155-171

**Article history:**

**Received:** 9 May 2020

**Edition:** 29 Jul 2020

**Accepted:** 24 Sep 2020

**Published online:** 22 Sep 2020

**Keywords:**

War, Corruption on earth, Iran's legal system, Imami jurisprudence

**Corresponding Author:**

Ahmed Falahi

**Address:**

Iran, Sanandaj, University of Kurdistan, Faculty of Humanities and Social Sciences, Department of Criminal Law and Criminology.

**Orchid Code:**

**Tel:**

**Email:**

[a.falahi@uok.ac.ir](mailto:a.falahi@uok.ac.ir)

### ABSTRACT

**Background and Aim:** In economic systems under special conditions such as international sanctions, economic crimes are very important. The purpose of the present research is to identify the concept and examples of corruption in Iran's criminal system and Imami jurisprudence and to examine their criminal domain.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Findings:** The findings of the research show that this crime lacks sound jurisprudential documentation; But at the same time, due to the special economic conditions, it is widely used in the criminal law system of Iran. This criminal title has a broad definition in the Islamic Penal Code, and it is necessary to analyze its concept and examples in the new jurisprudence sources of Imamia.

**Conclusion:** The research results show that most jurists have not identified it as an independent crime. On the other hand, the criminal titles of war and others are not examples of corruption in the world, and corruption, contrary to the principle of legality of crimes and punishments, has no recorded examples.

**Cite this article as:**

Moradi E, Falahi A, Mohammadi SH. The Concept and Evidence of Economic Corruption in the Land in the Perspective of the Legal System of Iran and the Imami jurisprudence. *Economic Jurisprudence Studies*. 2020.